



«بسم الله الرحمن الرحيم»

لینک گروه فلسفی تیرداد

<https://t.me/joinchat/Aesof0Ja90QD1mvfXRuA1w>

🕌 متن گفتگوی گروه فلسفی تیرداد

یکشنبه 1396/10/03

موضوع: زندگانی و تفکر استاد سید عباس معارف

ارائه دهنده: آقای محمد نورالهی

ملاحظات: گفتگو دارای تعدادی فایل صوتی است که در کانال پرسش و پاسخ گروه فلسفه تیرداد موجود است.

goftogoye_shabane@

محمد نورالهی:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند پربروز و پسر دای تاریخ

بحث را با تضمین عبارتی از امیرالمؤمنین شروع می‌کنم

لو [...] ما اخذ الله على العلماء أن لا يُقاروا على كِظَةٍ ظالم و لا سَغَبٍ مظلوم لَأَلْقِيَتْ حَبْلَهَا على غارِبِها و ليسقتُ آخرها بكأس

اولها

(نهج البلاغه حیدر کرار، امیرالمؤمنین علی، خطبه سوم):

اگر یزدان بر [دوش] دانایان نگذاشته بود که نه بر شکمبارگی ستمکار و نه بر گرسنگی کشیدن ستم‌دیده آرام یابند

ریسمان [حاکمیت] را بر دوشش می‌افکندم و پایانش را به جام آغازش می‌نوشاندم.

دوستان و همراهان عزیز

امشب بناست با خطوط کلی زندگی

و برخی آثار

و اندکی از تفکر مرحوم استاد سید عباس معارف آشنا شویم

من چندین سال پیش به مناسبت بزرگداشت ایشان در دانشگاه تهران مقاله‌ای تهیه کرده‌ام به صورت زندگی‌نامه که

تقدیم می‌کنم

این بزرگداشت به علت سنگ‌اندازی اصلاح‌طلبان برگزار نشد

مختصری در حسب حال مرحوم استاد سید عباس معارف

ز رهروان دگر یک - دو گام پیشتر ام

که کاروان اسیران درد را خبر ام



(دیوان معارف، ص 360)

مرحوم استاد سیدعباس معارف از شاگردان محقق مرحوم استاد سید احمد فرید در سحرگاه 27 فروردین ماه سال 1333 در تهران دیده به جهان گشود.

پدر وی مرحوم سیدحسنعلی معارف از اخلاف عالم جلیل‌القدر سیدمحمد یمینی از دانشمندان قرن یازدهم هجری بود که به ایران مهاجرت کرده و در نواحی شمال کشور سکنی گزیده بود و ایشان خود چه‌زیبا در بیتی تبار دوگانه اشاره کرده‌است:

ترک تازی نسب ام؛ از تو نترسم ای چرخ

ترکتازی چه کنی؟! نی تتری نی تازی (دیوان، ص 466)

از زبان دوست سالیان نوجوانی و جوانی و هم‌مشق شعر ایشان، شاعر قبیلهٔ ما جناب علی معلم دامغانی بشنویم: «آقای معارف اصالتاً آذربایجانی بود و چنانکه نامش شهادت می‌دهد از نوادگان رئیس معارف تبریز و آذربایجان و مادرش از سادات علوی طباطبایی و از خویشاوندان نزدیک و دخترعموهای آیت‌الله بروجردی بود.» (1) مرحوم معارف در سال 1344 به همراه مادرشان که مسؤولیت ادارهٔ بخشی از بیمارستان «شیر و خورشید» سمنان را به عهده گرفته بود راهی سمنان شد و در همان شهر توسط پدر به محضر مرحوم آیت‌الله لنکرانی راه یافت و به تحصیل ادبیات عرب اشتغال ورزید. در سن 13 سالگی زمانی که به زبان عربی مسلط شده بود همراه پدر نزد علامه حائری سمنانی (مصنف حکمت بوعلی سینا) رفت تا منطق و فلسفه بیاموزد. او موفق شد در زمانی کمتر از دو سال شفای ابن سینا را نزد علامه فراگیرد. جناب معلم، به عنوان شاهی عینی، از دوران درس‌آموزی نوجوانی مرحوم معارف چنین یاد می‌کند:

«ایشان همه‌روز صبح قبل از اینکه به دبیرستان بیاید بر سر درس حضرت آیت‌الله ملاصالح مازندرانی می‌رفت که آخرین شارح حکمت مشاء در ایران بود [...] بعد از ظهر هم که دبیرستان تعطیل می‌شد، ایشان دو کلاس دیگر می‌رفت؛ اول خدمت آیت‌الله لنکرانی که ساکن سمنان بود و نزد او عربی می‌آموخت. وقتی هم که کلاس عربی تمام می‌شد تارش را برمی‌داشت و خدمت آقای ناظمیان می‌رفت که از چشم نابینا بود، ولی استاد متبحری در نوازندگی تار به حساب می‌آمد. به‌جز اینها من و او در دبیرستان چند معلم برجسته داشتیم که یکی از آنها آقای سید محمود محمدی، کسی بود که بر من و او حق فراوان و بسیار روشنی در ادبیات، خصوصاً شعر دارد.» (همان)

(1) معارف معلم، گفتگوی سیدابراهیم هاشم‌زاده با جناب معلم، مجلهٔ پنجره، ش 55، 23 مرداد 1389

سیدعباس معارف در سال 1349 همراه خانواده به زنجان نقل مکان کرد و نزد آیت‌الله عالمی به تلمذ فقه و اصول پرداخت. در سن 18 سالگی برای تحصیل در رشتهٔ حقوق سیاسی در دانشگاه تهران، زنجان را ترک کرد. در طول این ایام یک دوره اصول فقه را نزد آیت‌الله کوه‌کمره‌ای گذراند.

به موازات تحصیل در رشتهٔ حقوق سیاسی، در درسهای فیزیک و موسیقی دانشگاه نیز حاضر شد.

مقام مرحوم استاد معارف در موسیقی، مقامی است که در مجالی فراخ باید بدان پرداخت.



ایشان در طبیعت‌شناسی بنیادین چنان پیش رفت که به کار تألیف رساله‌ای مستقل و ابداعی در این موضوع پرداخت (منابع این مدعا اکنون در دسترس این بنده نیست لیکن در برنامه‌ای تلویزیونی که به مناسبت درگذشت ایشان از شبکه چهارم سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد اهل فن بدین مهم اذعان نموده‌اند).

اما ورود مرحوم معارف به دانشگاه با واقعه‌ای بس مهم در زندگانش مقارن بود که همواره از آن با عنوان گشتی در آراء خود

یاد می‌کرد و آن را موهبت معنوی زندگی خود می‌دانست.

این واقعه آشنایی با حکیم و متفکر معاصر مرحوم استاد سیداحمد فردید بود که در سلوک نظیرش بسیار مؤثر افتاد چنانکه در عمده آثار قلمی ایشان با تعبیری بس والا از آن استاد یگانه یاد شده‌است که از آن قبیل اند:

«استاد بزرگ حکمت مشرق سیداحمد فردید»

(نگاهی دوباره به مبادی حکمت انسی، ص 87 که اصولاً به قصد تقریر اصول و مبادی فکر و تفکر مرحوم است

کانال پرسش و پاسخ، [23:31 24,12,17]

اد فردید تألیف شده‌است)

«حکیم بزرگ انسی معاصر استاد سیداحمد فردید»

(همان، ص 92)

«متفکر بزرگ شرق استاد سیداحمد فردید»

(همان، ص 417)

ایشان از جمله آثارشان در دیوان اشعارشان نیز اشارات روشنگری به مرحوم فردید نموده‌است که از آن زمره است:

به هر دوری به گردش ساغر راز

گهی در قونیه، گاهی به شیراز

کنون در ری نهان میخانه‌ای هست

که چون عنقا از آن افسانه‌ای هست

ز لطف حق در این میخانه پیری ست

– سرم بادش فدا – در بیشه شیری ست

[...]

به دستی تیغ و دستی ساغر می

به مستی راز می‌گفتی پیاپی

که دور آخر است و دور خون است

رها کن عقل، هنگام جنون است



حدیث غم به پیر جام خوانیم
مگر از فرّ او فرجام دانیم
مبارک وقت، آن پیر جوان بخت
به خود لرزند از او خود کامگان سخت
چو محو آن رسول امجد آمد
ز لوح غیب نامش «احمد» آمد
ز اجلال خداوندی چو فرّ دید
بر او کنیت مقرر گشت «فردید»
(دیوان، صص 41 و 42)

(در سواد ابتدایی این نوشته در این مقام آمده بود که «ناگفته نماند که مصرع "به دستی تیغ و دستی ساغر می" می تواند اشاره به دو وجه سلبی و ایجابی فکر و تفکر مرحوم استاد داشته باشد که یکی از منابع اولی، اندیشه‌های مارتین هیدگر بوده است.» اما اکنون به تقریبی قریب به یقین بر این بنده معلوم شده است که این مصرع خالی از معنایی ظاهری نیز نیست. فکر و حتی تفکر مرحوم استاد فردید بی شک و بالیقین خالی از عناصر انقلابی نمی بوده است.)

همچنین در ابیات پایانی غزلی به مطلع:
ای حسن رخت مشعله افروز سحرها
از شوق تو در خرمن افلاک شررها
آمده است:

می در قدح امروز همه باد ز پیرم
دارد بسی این باده‌ی گلرنگ هنرها
آن پیر بلاجو که معارف شب طوفان
سرمست به گرداب زد و برد گهرها
سر حلقه‌ی رندان جهان، احمد فردید
پیک فلک و قافله سالار سحرها
(دیوان، ص 152)

«ظاهراً [مرحوم] معارف از همان ابتدا تعلق خاطری به تصوف داشت و از این رو در ایام جوانی از مریدان یکی از فرق صوفیه گردید. گرچه بعدها خود درباره این فرق، ضمن تأکید بر بی‌آزاری و سلامت بسیاری از ایشان، [سخنی] بدین مضمون می گفت که: "شیربچگانی را می مانند که به شیر نرفته اند!"»
(رادیکالیسم اسلامی و راهی که معارف گشود)



اینچنین به نظر می‌رسد که برخی تعابیر دور از راستی که به تعدادی بس معدود (شاید در حد یک مورد!) در دیوان اشعار مرحوم استاد معارف وارد شده باشد نیز حاصل همین نزدیکی موقفی و موقتی به حلقه‌های صوفیه که احوال و اقوالشان کذاییشان بر اهل نظر پوشیده نیست بوده‌است نظیر این بیت بی نظیر!

به بزم وصل راهی نیست شمع محفل آرا را
به آداب شریعتها چه حاجت رند ملحق را (دیوان، ص 137)

که از سروده‌شدن آن به سبک هندی نیز تعلق آن به دوران جوانی و گامهای آغازین ایشان در طرق تفکر دریافته می‌تواند شد چنانکه اشعار متعلق به دوران پختگی فکر و تفکر ایشان کاملاً به سبک عراقی سروده شده‌اند

استاد سیدعباس معارف پس از پیروزی انقلاب اسلامی با انقلابیان مسلمان همراه بود و در دانشگاه ملی سابق و شهید بهشتی فعلی مجالس درسی را برای دانشجویان انقلابی به طور آزاد ترتیب داد.

همکاری وی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی برای او فرصتی مناسب پدید آورد تا تفکر حکمی و عدالت‌محور خود را به طور عینی و عملی در تدوین قوانین اقتصادی جمهوری اسلامی تعیین بخشد. از این رو به تدوین قانون کار (که پس از کش و قوسهای فراوان سرانجام در سال 1368 و با دخالت مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد) می‌پردازد که طبق نظر برخی، یکی از درخشان‌ترین لوایح اقتصادی و حقوقی در طول تاریخ ایران و از افتخارات نظام مقدس جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. (1)

جناب معلم از فعالیت‌های سیاسی مرحوم معارف پس از انقلاب چنین یاد کرده اند: «تا این بیماری [قند و قلب] پیش نیامده بود که تقریباً زمان ریاست جمهوری آقای رجایی بود، آقای معارف تقریباً مشاور فرهنگی و سیاسی ایشان بود و با هم بسیار نزدیک بودند و ارادتی هم فی‌مابین ایشان وجود داشت. هرچند می‌شود گفت به لحاظ طبقه اجتماعی با هم متفاوت بودند، اما آقای معارف از جهت خوی و خصلت به آقای رجایی خیلی نزدیک بود؛ به صورتی که بعد از او با کس دیگری نه توانست کار کند و نه خواست که کار کند.» (همان پنجره، ش 55)

(1) البته برخی از مواضعی خاص به انتقاد از این قانون پرداخته‌اند برای نمونه بنگرید به روزنامه شرق، ش 463، 11 اردیبهشت 1384، ویژه‌نامه روز کارگر، مقاله «اسطوره معارف (بازخوانی علل رسوخ اندیشه چپ در قانون کار ایران)»

بیماری ناگهانی او در سال 1359 از میزان فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ظاهری وی کاست. گرچه پس از بهبود نسبی دیگر بار فعالیت‌های خویش را از سر گرفت اما در سال 1361 به بیماری نارسایی قلبی مبتلا گشت که موجب خانه نشینی وی شد. ابتلائات جسمانی او به همین موارد محدود نشد و عارضه بیماری دیابت که آخر الامر موجب قطع انگشت یک پای وی گشت و نارسایی عروق و نارسایی سیستم اعصاب محیطی نیز بر جسم رنجورش مستولی شد. این در حالی بود که ایشان در مسابقات وزنه‌برداری دانشگاه تهران نایل به رتبت نخست شده بود و همین امر باعث آمد که علت هجمه بیماریها بدیشان در هاله‌ای از ابهام باقی بماند.



سرانجام خداوند به این شهادت طولانی خاتمه داد، استاد فرهیخته بزرگوار سیدعباس معارف - رضوان الله تعالی علیه - در سحرگاه طولانی‌ترین شب سال، شب یلداى سال 1381 با تنی رنجور اما روحی بزرگوار چشم از جهان فانی فرو بست و دیدار به جمال و رحمت حضرت حق گشود.

تعبیر «شهادت طولانی» نظر به فکر و عمل انقلابی و مصائب جسمانی مرحوم استاد معارف و همچنین شوق ایشان به شهادت، صرف تعبیری ادبی و به دور از حقیقتی نیست. این موضوع در اشعار انقلابی ایشان نیز بازتاب یافته‌است:

عذر تقصیر از نرفتن به جبهه‌های جنگ حق و باطل:

ز خوف نیست، که بیمار ام؛ ار ز نو طوفان -

وزید و زورق من رهسپار دریا نیست (دیوان، ص 210)

نمونه‌های دیگر:

می‌تپد هر رگم از ذوق شهادت یا رب!

بخت خوش می‌بردم بر سر آن کوی مگر؟ (همان، ص 313)

می‌جهد عرق شهادت، دل هلال عید دید

صرعیان شوق را عیدی بسامان باد باز (همان، ص 318)

آب و آتش جمع باید در وضوی عشق، کاش -

آبی از شمشیر با سرب مذابی داشتم (همان، ص 354)

نمک‌شناس شهادت نیم به خون سوگند

اگر به تیغ، تبسم نمی‌کند زخم (همان، ص 372)

دگر ناز این قدر در کارم ای تیغ شهادت! چیست؟

که فریاد شهادت می‌زند زخم نیاز من (همان، ص 419)

در دیوان اشعار ایشان غزل‌های متعددی با مضمون کاملاً انقلابی به چشم می‌خورد که در نوع خود (با تبعی که کرده‌ام) بی‌نظیر است (حتی در قیاس با کسانی چون فرخی یزدی و ابوالقاسم لاهوتی). ایشان همچنین مثنوی «مهد جنون» را در تهییج

جوانان انقلابی به حضور در جبهه‌های جنگ حق و باطل سروده‌اند

کانال پرسش و پاسخ، [23:32 24,12,17]

[Forwarded from محمد نورالهی]

کتاب و رسالات و جزوات:

الف) کتاب:



- (1) نگاهی دوباره به مبادی حکمت انسی، نشر رایزن، 1380. این کتاب قرار بود با دو مجلد دیگر در موضوعات «امور عامه» (ر.ک. همان، ص 263) و «حکمت تاریخ» (ر.ک. همان، ص 393) مجموعه‌ای سه‌مجلدی را تشکیل دهد که گویا آن دو مجلد دیگر با کمال تأسف نوشته نشده‌است.
- (2) دیوان معارف (شامل: مثنوی[ها]، غزلیات، قصیده و رباعیات)، به اهتمام ف. معارف [خواهر محترم آن مرحوم]، تهران، 1382. مع‌الاسف در این چاپ اغلاط مطبعی بسیاری وارد شده‌است و از همین روی نقل آنها در این نوشته همراه با ویرایش بوده‌است.
- (3) مبانی اقتصاد سیاسی و حقوقی در اسلام، ناشر: ف. معارف، 1383. در صص 203 و 253 از این کتاب به نوشتن نسخه عربی این اثر که مفصلتر از نسخه پارسی آن است اشاره شده‌است. امید که این کار نیز هر چه زودتر به طبع برسد. نیز از ظواهر این کتاب بر می‌آید که تدوین نهایی آن از خود مرحوم معارف نیست و بیشتر حاصل مرتب ساختن یادداشتهای ایشان است.
- (4) شرح ادوار صفی الدین ارموی (با مقدمه‌ای در تاریخ موسیقی ایران)، با ویرایش و حواشی سیدعبدالرضا موسوی، انتشارات سوره‌مهر، 1383
- (5) گردآوری، طبقه‌بندی و تفسیر و تحلیل مآخذ اسلامی در باب جوهر فرد، تجدد امثال و کیهان‌شناسی، نشر معاونت پژوهشی کتابخانه ملی. این اثر در سال 1371 به سرانجام رسیده‌است. (به نقل از پایگاه اینترنتی <http://database.irandoc.ac.ir> بنده این کتاب را ندیده‌ام.
- ب) رسالات و جزوات (تا جایی که بنده یافته‌ام):
- 1- آثار مترتب بر عمومی‌شدن مالکیت اراضی مفتوح [مفتوحة العنوة] (مجله بیان، ش 13، سال 1370) 2
 - 2- زمین و احکام آن (اراضی انفال) (همان، ش 15، دی 1370)
 - 3- ویژگی موسیقی اسلامی ایران، فصلنامه هنر، ش 28. 4
 - 4 - مقام پراکسیس [کار] در حکمت انسی، سالنامه موقف، ش اول، شهریور ماه 1382. شاید عنوان گویاتر این مقاله می‌توانست «تحقیق در حقیقت کار و عقود بر اساس حکمت انسی» باشد.
 - 5- طرحی در حوزه‌های عملی کارآفرینی و توسعه، پایگاه اینترنتی «فرهنگ و توسعه» به نشانی:
www.farhangetowsee.com/02/eco/02eco02.htm
- روایتی از این مقاله در پایان کتاب مبانی اقتصاد سیاسی و حقوقی در اسلام تحت عنوان «طرح بسیج کار و اندیشه جهت نیل به اقتصاد غیر متکی بر نفت» نیز به چاپ رسیده بود. در پانوشت کتاب آمده‌است: «این طرح در اوایل سال 1376 مقارن با شروع ریاست جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی به هیأت دولت ارائه گردید.»
- در روزنامه همشهری، ویژه‌نامه نوزد 1382 آورده شده‌است که از مرحوم استاد معارف مقالاتی با نام مستعار «ع. آذری» منتشر شده‌است (نویسنده همشهری مشخص نیست).



در یادداشتی که در مجله «چشم انداز ایران»، به مناسبت وفات مرحوم معارف چاپ شده به اطلاع رسانیده شده است که از ایشان با این نام مستعار تنها سه گفتگو منتشر شده است:

6- فروپاشی شوری: پایان مدرنیته، بحران پست مدرن، ش 8، اردیبهشت و خرداد 1380. این گفتگو خوشبختانه بالنسبه مفصل است.

7- آمریکا و انگلیس در سودای سلطه بر هارتلند، ش 13، فروردین و اردیبهشت 1381.

8- بحران آرژانتین؛ توسعه وابسته، ش 16، مهر و آبان 1381. این گفتگو را می‌توانید همچنین در <http://www.meisami.com/@oldsite/ch16/59-64.htm> بخوانید.

9- از مرحوم معارف گویا رساله‌ای در مورد ذره-موج بنیادین (ماترژن) منتشر شده است که بنده آن را ندیده‌ام. در ضمن طبق جستجوی مختصر بنده، کلمه‌ی ماترژن بیشتر در حوزه علوم زیستی اطلاق می‌شود.

10- نیز احتمال می‌رود مقاله «بررسی اجمالی مبانی نظری خصوصی سازی» چاپ شده در مجله بیان، ش 14، آذر 1370 نیز نوشته مرحوم استاد معارف باشد.

همچنین مرحوم استاد معارف دست در کار تدوین حواشی و یادداشت‌های اتیمولوژیک مرحوم استاد فرید نیز داشتند که این کار ناتمام مانده است (بنده بخشهایی از آن کار ناتمام را دیده‌ام).

کانال پرسش و پاسخ، [23:36 24,12,17]

سعید:

سلام

هر زمان که مطالب شما عزیز به پایان رسید من هم مطالبی دارم

عباس معارف یک چیستی بزرگ است که در آینده بهتر شناخته میشود

دو سال پایان عمر او را بخوبی میدانم

انچه در مورد بیماری ایشان گفته میشود دقیق نیست

چون میخواهم راستی را در مورد او بیان کنم انچه بر خلاف نظرات خودم نیز هست بیان میکنم

معارف را اولین باری که دیدم کوهی بود از راستی و تقوی و علم

غذایش برنج سرد با ماست

درامدی اندک از آموزش زبان عربی و انگلیسی

باوری عمیق داشت

در باره اصلاحات با او بحث میکردم که انچنان قبول نداشت و بدون عدالت ان را بیشتر یک سناریو میدید

در بسیاری امور مطالعه دقیق داشت و در باب بیماری خود به اطلاعات جالبی رسیده بود

هاریسون منبع طب داخلی را به راحتی به زبان انگلیسی میخواند



در زبان شناسی دقیق بود
فردید را بسیار دوست داشت
ولی از نظر سیاسی مواضع او را انتقاد داشت
او نارسایی قلب و دیابت پیشرفته نداشت
مرحوم معارف انسانی بسیار عارف مسلک ولی عمق سیاسی عمیقی داشت
فردید به تنها فرد از شاگردانش که احترام میگذاشت او بود
کاریزمایی تاثیر گذار داشت که او را از سایر شاگردان فردید جدا کرده و با توجه به روحیه ملی و عدالت طلبی که
داشت شخصیت خاصی بود

او در نشریه چشم انداز ایران چندین شماره با عنوان ع اذری دیدگاه های خود را بیان کرد
در مراسم تدفین او آقای مسجد جامعی او را معلم سوم بعد از فارابی نامید

محمد نورالهی:

برای من بسیار جالب و قابل تأمل است که پس از درگذشت ایشان نیروهای ملی-مذهبی واکنش مناسبی نشان دادند
ولی نیروهای حزب اللهی نه

مثلاً همین آقای لطف الله میثمی ومجله چشم انداز ایران
یا مجله وکالت

سعید:

البته ایشان به هیچ جریانی جز عدالت طلبی و استقلال تعلق نداشت
آقای میثمی را بسیار قبول داشت و یکی از شاخص های تقوی میدانست
او حتی دفترچه بیمه درمانی نداشت
در موسیقی در دوتار استاد بود و از خود بدایعی داشت

م. هادی حسینی جهان آبادی:

جناب معارف یکی از منابع تأثیر-گزار بر شعر و ذهن علی معلم دامغانی بود.
سعید:

دانشمند از باب محقق

در فیزیک نظراتی داده بود

در موسیقی ابداعاتی داشت به عنوان پیچ معارف در تار مطرح بود

کتابی در مورد نت های موسیقی در فرهنگ ایرانی اسلامی نوشته بود

البته در دو سال آخر عمر آقای معلم ارتباط خود را به دلایلی قطع کرده بود که در پایان عمر ایشان باز نزدیک شدند



محمد نورالهی:

رساله‌ای در مورد ذره موج بنیادی دارند

[Forwarded from محمد نورالهی]

کتاب و رسالات و جزوات:

الف) کتاب:

1) نگاهی دوباره به مبادی حکمت انسی، نشر رایزن، 1380. این کتاب قرار بود با دو مجلد دیگر در موضوعات «امور عامه» (ر.ک. همان، ص 263) و «حکمت تاریخ» (ر.ک. همان، ص 393) مجموعه‌ای سه‌مجلدی را تشکیل دهد که گویا آن دو مجلد دیگر با کمال تأسف نوشته نشده‌است.

2) دیوان معارف (شامل: مثنوی [ها]، غزلیات، قصیده و رباعیات)، به اهتمام ف. معارف [خواهر محترم آن مرحوم]، تهران، 1382. معالاسف در این چاپ اغلاط مطبعی بسیاری وارد شده‌است و از همین روی نقل آنها در این نوشته همراه با ویرایش بوده‌است.

3) مبانی اقتصاد سیاسی و حقوقی در اسلام، ناشر: ف. معارف، 1383. در صص 203 و 253 از این کتاب به نوشتن نسخه عربی این اثر که مفصلتر از نسخه پارسی آن است اشاره شده‌است. امید که این کار نیز هر چه زودتر به طبع برسد. نیز از ظواهر این کتاب بر می‌آید که تدوین نهایی آن از خود مرحوم معارف نیست و بیشتر حاصل مرتب ساختن یادداشتهای ایشان است.

4) شرح ادوار صفی الدین ارموی (با مقدمه‌ای در تاریخ موسیقی ایران)، با ویرایش و حواشی سیدعبدالرضا موسوی، انتشارات سوره‌مهر، 1383

5) گردآوری، طبقه‌بندی و تفسیر و تحلیل مآخذ اسلامی در باب جوهر فرد، تجدد امثال و کیهان‌شناسی، نشر معاونت پژوهشی کتابخانه ملی. این اثر در سال 1371 به سرانجام رسیده‌است. (به نقل از پایگاه اینترنتی <http://database.irandoc.ac.ir>)

بنده این کتاب را ندیده‌ام.

ب) رسالات و جزوات (تا جایی که بنده یافته‌ام):

1- آثار مترتب بر عمومی‌شدن مالکیت اراضی مفتوح [مفتوحة العنوة] (مجله بیان، ش 13، سال 1370) 2

2- زمین و احکام آن (اراضی انفال) (همان، ش 15، دی 1370)

3- ویژگی موسیقی اسلامی ایران، فصلنامه هنر، ش 28. 4

4 - مقام پراکسیس [کار] در حکمت انسی، سالنامه موقف، ش اول، شهریور ماه 1382. شاید عنوان گویاتر این مقاله

می‌توانست «تحقیق در حقیقت کار و عقود بر اساس حکمت انسی» باشد.

5- طرحی در حوزه‌های عملی کارآفرینی و توسعه، پایگاه اینترنتی «فرهنگ و توسعه» به نشانی:



www.farhangetowsee.com/02/eco/02eco02.htm

- روایتی از این مقاله در پایان کتاب مبانی اقتصاد سیاسی و حقوقی در اسلام تحت عنوان «طرح بسیج کار و اندیشه جهت نیل به اقتصاد غیر متکی بر نفت» نیز به چاپ رسیده بود. در پانوشت کتاب آمده است: «این طرح در اوایل سال 1376 مقارن با شروع ریاست جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی به هیأت دولت ارائه گردید.»
- در روزنامه همشهری، ویژه‌نامه نوزدهم آورده شده است که از مرحوم استاد معارف مقالاتی با نام مستعار «ع. آذری» منتشر شده است (نویسنده همشهری مشخص نیست).
- در یادداشتی که در مجله «چشم انداز ایران»، به مناسبت وفات مرحوم معارف چاپ شده به اطلاع رسانیده شده است که از ایشان با این نام مستعار تنها سه گفتگو منتشر شده است:
- 6- فروپاشی شوری: پایان مدرنیته، بحران پست‌مدرن، ش 8، اردیبهشت و خرداد 1380. این گفتگو خوشبختانه بالنسبه مفصل است.
- 7- آمریکا و انگلیس در سودای سلطه بر هارتلند، ش 13، فروردین و اردیبهشت 1381.
- 8- بحران آرژانتین؛ توسعه وابسته، ش 16، مهر و آبان 1381. این گفتگو را می‌توانید همچنین در <http://www.meisami.com/@oldsite/ch16/59-64.htm> بخوانید.
- 9- از مرحوم معارف گویا رساله‌ای در مورد ذره-موج بنیادین (ماترژن) منتشر شده است که بنده آن را ندیده‌ام. در ضمن طبق جستجوی مختصر بنده، کلمه‌ی ماترژن بیشتر در حوزه علوم زیستی اطلاق می‌شود.
- 10- نیز احتمال می‌رود مقاله «بررسی اجمالی مبانی نظری خصوصی سازی» چاپ شده در مجله بیان، ش 14، آذر 1370 نیز نوشته مرحوم استاد معارف باشد.

همچنین مرحوم استاد معارف دست در کار تدوین حواشی و یادداشت‌های اتیمولوژیک مرحوم استاد فردید نیز داشتند که این کار ناتمام مانده است (بنده بخشهایی از آن کار ناتمام را دیده‌ام).

❁ پایان گفتگو ❁